

برگشته و درین تعریف است هر که از آن کفر را بجهل آن کفر در عصری انتم و ظنوا ارجعنا الی  
رجال من الانس و جنات کان خطا بالین علی سبیل الموعظین و قبل من و دایت  
از سخن بران نیست بجز از جمله وحی است و عطف است بر آن تا متع تقدیر علی بنی  
قل و حی الی ان کان رجال من الجن الایة و انتم ای کفر بالین ظنوا کافست تم ای کفر  
من الانس و الاول الی اخره تا قبل الایة و ما بعد ما و نحو الرعالی و انما الملتصا و  
فوجدنا ناطقین حرسا مستدینا و شهابا و پرمان گشتند بر دست کسی که با بودیم  
اسما زانی خود استیم که با سمان برابریم با قسم سمانا پر کرده نشود از نگاه پادمان قوی  
و ستارگان روشن المرس جمع حارس حسی فحواسم جمع و لذلک و صفت شد بدلیل  
نگاه بانی کردنی پاره از شعده نور ستاره که انداخته شود تا بدین که بریزد و با سمان بر نیاید  
و انما لانا ففعد منها مقاعد للسمع باز پرمان گشتند بر دست کسی که با بودیم  
بی شستیم شستین از آسمان از برای شنودن سخن فرشتگان یعنی پیش ازین مانی  
توانستیم که بر آسمان بر آیم و هر جا خواستیم بر آمدی و شستیم و سخن فرشتگان  
شنیدیم و فی السمع الان جمله شهابا با صد آس که از آن کانون میجوابد که با  
برود و گوش دارد سخن فرشتگان را یا بدان برای خود ستاره را که راه او را  
نگاه می دارد و می زندش و فی ماندش تا با سمان برابریم مقاعد جمع مقعد جای نشست

الشهید حج الشهاب

الآن و مو منی علی الفی بلازمة لام التعریف الرشد کا و بان اسم جمع اجمع اصد الرشد  
الرصد و چشم داشتند و نگاه داشتند و انما لانا جمله شهابا با صد آس که از آن کانون  
ابدا لایحتم و بینه و شد کا و بدستی که ما نمیدانیم که بلا و عقوبت حالت شمس است  
با بل زمین با خواسته است با بل زمین پروردگارشان یکی و رحمت یعنی بعد از آن ما نمیدانیم  
چنانکه بیشتر ازین استیم پس مع کردن ما از آسمان سبب نیکی با بل زمین است  
یا سبب بدی ایشان عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گفت فرمودند از این پرمان کسان  
بودند که با سمان بر شدند و جای نشستند چون وحی آمدی با سمان و شستگان  
شنیدند می آواز می شنیدند و از آسمان که بطاس رزه شود و می فرستگان سجده کردند  
تا وحی آمد پس هر از سجده برداشتند و از فرشتگان که وحی با سمان آمدی برسیدند  
که در وحی آمد اگر حکمی بود یا که هم در آسمان بودی و پس قبول کرده اند و اگر حکمی بودی که تعلق  
بر زمین داشتی از خطبه بلا فونجی و خوردن و خوردن با یکدیگر فرشتگان گفتند و پرمان  
شنودند می و فرود آمدند و آن خبر را بدستشان خود که بری پرستان بودند و  
مغمان و خلق کو بیان گشتند و دروغ بسیار بیان آینه شدی و سبب فساد خلق شدی  
چون حق تعالی مصطفی را صلی الله علیه و سلم بخلق فرستاد آسمان را بر نگاه بان کرد  
تا دیوانه از من گشتند و در کشف او در دست که بر خلق ستاره پیش از رسول بود فاما

ان در  
مشاف